



ویرایش

حسین حسینی نژاد / تصویر ساز: سید میثم موسوی



در این شماره از مجله به یکی از کارهای ضروری قبل از انتشار هر نوشته می‌پردازیم. خاطرتان باشد، در شماره گذشته درباره بازنگری و بازنویسی صحبت کردیم. آخرین بخش از بازنویسی، ویرایش مطلب است. منظورمان از ویرایش، کار تخصصی به معنای دقیق آن نیست، بلکه انجام کارهایی روی متن است که از عهده هر کدام از ما بر می‌آید. هر اندازه هم بیشتر روی آن وقت بگذاریم، در این مسیر توانمندتر می‌شویم. در واقع، ویرایش مهارت است و هر کس به میزان علاقه و تمرین و دانش نظری می‌تواند در این راه پیش برود. باز تأکید داریم، منظورمان ویرایش حرفه‌ای و تخصصی نیست. کاری است که متن ما را یکدست‌تر می‌کند و غلط‌های فاحش آن را می‌گیرد؛ طوری که فراز و فرود نوشته منظم می‌شود. خلاصه، خواننده را با متنی روان و بدون غلط روبه‌رو می‌کند. در ادامه توضیحات بیشتری در این باره ارائه شده است.

نویسندگانی بدون نقص نبوده است! بدون هراس همه‌چیز را روی کاغذ بیاورید.

آنچه در طی سال‌ها نوشتن آموخته‌ام، این است که نباید در همان ابتدای کار خود را درگیر زیباسازی نخستین پاراگراف کنم، یا وقت خود را صرف آن کنم که آنچه می‌نویسم فصل اول باشد یا دوم. تجربه به من می‌گوید بهترین کار آن است که آنچه را به فکر می‌رسد بنویسم و کار را ادامه دهم. زیرا هنگامی که دائماً می‌نویسم و کار پیش می‌رود، در روحیه‌ام تأثیر مثبت می‌گذارد. نباید به کار شک کرد. نباید خود را سانسور و ایده‌ها را در نطفه خفه کرد. ممکن

دستوری، فصل‌بندی‌ها و عنوان‌ها، کلمات کم یا زیاد یا تکراری بودن‌ها، در این قسمت برطرف می‌شوند. ویرایش نشان می‌دهد نویسنده تا چه اندازه برای خود و مخاطبش ارزش قائل شده است.

اگرچه دل‌کندن از بخش‌هایی از مطلب و حذف آن‌ها در ویرایش سخت است، ولی برای مؤثر شدن نوشته، هر آنچه به پیشرفت متن کمک نمی‌کند، باید حذف شود.

باربارا تراپیدو می‌نویسد:

در آغاز این نکته را بپذیرید که کار هر شخص نیاز به ویرایش دارد. اطمینان داشته باشید نخستین دست‌نوشته هیچ

ویراستاری یعنی خود را جای خواننده قرار دادن. افسونگر شدن. آیا می‌توانید خود را افسون کنید؟ آری می‌توانید. (باربارا تراپیدو، ۱۳۹۶: ۴۲)

برای این کلمات را روی کاغذ می‌آوریم که بتوانیم آن‌ها را تغییر دهیم. اگر نمی‌خواهید از خیر بعضی از کلمات بگذرید و کلماتی تازه جایگزین یا دست کم آن‌ها را پس و پیش کنید، به هیچ‌وجه نمی‌توانید با خواننده ارتباط برقرار کنید و نوشته‌تان را نیز فقط خود، دوستان و فامیل‌هایتان خواهند خواند.

ویرایش یکی از مراحل بازنویسی است که پس از تغییرات نهایی محتوا صورت می‌گیرد. صحیح‌نویسی، ویرایش

است دست‌نوشته اولیه پر از تکرار، جملات بی‌روح، تشریح و توصیفات کلیشه‌ای باشد! هیچ‌یک از این نکات نباید مانع نوشتن شود. باید شجاع بود و پیش رفت.

تصور نکنید تنها شما این‌گونه می‌نویسید. همه ما همین‌طور می‌نویسیم. از سوی دیگر، نگران چیزهایی نباشید که می‌نویسید. چون به‌جز خودتان، هیچ‌کس از وجود آن‌ها مطلع نیست. هیچ‌گاه نگران نباشید که شاید همسایه روبروی آن‌ها را ببیند و آبروی شما برود! بنابراین، تا هنگامی که آن‌ها را پالایش نکرده و شکل نداده‌اید و جرح و تعدیل‌های لازم را اعمال نکرده‌اید، هیچ‌کس آن‌ها را نخواهد دید. پس خود را رها کنید. بی‌پروا بنویسید. هر آنچه را دوست دارید، بنویسید، از شیر مرغ تا جان آدمیزاد. ابدا مانع خود نشوید. تصور کنید نوشتنتان چیزی است مانند خواب دیدن. بنابراین، بال‌های خود را نبندید. بگذارید به هر جا که می‌خواهد برود. اما زمانی که به هر جا دلش خواست رفت و آنچه را دلتان خواست نوشتید، نوبت به ویرایش می‌رسد (رهبر، ۱۳۹۹: ۴۱).

در هنگام ویرایش

متن را با صدای بلند برای خودتان بخوانید؛ بارها و بارها. با این کار درستی‌های متن الگ می‌شوند، زمختی‌ها شناخته و رفع می‌شوند و آنچه از الگ عبور می‌کند، متنی روان و یکدست خواهد بود.

می‌توانید متن را ضبط کنید و گوش دهید تا ببینید دست‌اندازهای آن کجاست. با این کار شما ریتم متن خودتان را پیدا می‌کنید و موسیقی‌اش را می‌یابید. هر جا سخته بخورد، متوجه آن می‌شوید.

منتنان را بدهید فرد دیگری

بخواند و شما گوش کنید. این بار در قالب شنونده و نه نویسنده، متن را به‌دقت گوش کنید. زیر و بالایی آن‌ها را در خواهید یافت.

شعارتان این باشد: «دیرتر، بهتر». عجله‌ای برای اینکه متن را منتشر کنید نداشته باشید. روی اصلاح آن وقت بگذارید. صورتان این باشد که متن را برای باهوش‌ترین فرد ویرایش می‌کنید. تا می‌توانید آن را صیقل دهید. نه یک‌بار، نه دو بار، بیش از ده‌ها بار. در این صورت متن شما ماندگار می‌شود.

از ویرایش منتنان لذت ببرید. آن را نوعی بازی با کلمه و جمله و عبارت قلمداد کنید. شعارتان «بازی بهتر و بهترش کن» باشد. وقتی از این کار لذت ببرید، دیگر از اینکه مدتی روی آن وقت بگذارید ناراحت نمی‌شوید.

بکوشید در ویرایش، جملات متن شما موسیقی خود را پیدا کنند. این موسیقی خواننده را سحر می‌کند. نوشته خوب و یکدست خواننده را به خلسه می‌برد. برعکس نوشته‌های ناهموار که چرت خواننده را پاره می‌کنند.

نوشته خود را به دوستان و همفکران خویش بدهید تا بخوانند و نظر بدهند. ممکن است نظرها متفاوت باشند و حتی بعضی‌ها را نپسندید، اما آن‌ها را که پسندیدید اعمال کنید. با این کار جلوی انقادهای پس از انتشار را خواهید گرفت.

در ویرایش حتماً نقطه‌گذاری و علامت سؤال و تعجب را فراموش نکنید. در این راه افراط نباشد بهتر است. نویسنده‌ای می‌گفت، من به کمک «؛»، «؟»، «،»، «و»، متنم را کامل می‌کنم. می‌گفت در این راه زیاده‌روی هم نمی‌کنم. به‌طور معمول و طبیعی آن‌ها را به کار می‌گیرم. مطالعه کتاب‌های چاپ‌شده ویراستاری‌شده و تمرین گام‌به‌گام، این مهارت را در ما تقویت می‌کند.

کلماتی که احتمال غلط‌نویسی دارند، آن‌هایی هستند که بیشتر ریشه‌های عربی دارند. در ویرایش بکوشیم این غلط‌ها را بیابیم و رفع کنیم. بودن غلط در نوشته، مثل افتادن لکه‌ای سیاه در لباس سفید، خودش را نشان می‌دهد و جلب توجه می‌کند. قضاوت دیگران را هم نسبت به ما منفی می‌کند. به این بخش توجه ویژه داشته باشیم.

مهم‌ترین ایراد ما در بخش دستور، احتمالاً تطابق نداشتن افعال با هم است؛ طوری که یک جمله را به زمان ماضی بگوییم و جمله بعدی را به زمان مضارع بیاوریم. یا برای فاعل مفرد، فعل جمع بیاوریم. در خواندن با صدای بلند، این ایرادها خودنمایی می‌کنند. بکوشیم آن‌ها را رفع کنیم. می‌توانیم متنمان را به کسی که در این زمینه ورزیدگی بیشتر دارد بدهیم تا بخواند و آن‌ها را اصلاح کند.

در هنگام ویرایش، کلمات تکراری و کلیشه‌ها را پیدا کنید و جایشان کلمات دیگر بنویسید. آیا می‌دانید تکیه‌کلام‌های خودتان چیست؟



با انجام این کارها، متن ما شفاف‌تر و منظم‌تر می‌شود. اگر خواسته باشید ویرایش را در شکل تخصصی ادامه دهید، به منابع علمی در این زمینه مراجعه کنید. اما رعایت همین نکات هم می‌تواند در سطح عمومی نوشته شما را مطلوب و خواندنی کند.

منبع:

۱. کلیسر، جیمز، تراپیدو، بابارا، ویلیامز، پاتریشا، مویرایل، چاندر، استیونسون، کتی، برمان، رتیا، چگونه می‌نویسیم؟ ۱۷ روش از ۱۲ نویسنده خلاق معاصر، ترجمه کاظم رهبر (۱۳۹۶)، تهران: کتاب خورشید